

یک سال در میان ایرانیان

ادوارد گرانویل براون

ذبیح الله منصوری

www.ketab.ir



مؤسسه انتشارات نگاه

تأسیس: ۱۳۵۲

سرشناسه	براون، ادوارد گرانویل، ۱۸۶۲-۱۹۲۶ م. Browne, Edward Granville
عنوان و نام پدیدآور	یک سال در میان ایرانیان: مطالعاتی در خصوص وضع زندگی و اخلاق و روحيات ملت ايران... به ضميمه شرح حال مولف به قلم سردنيسن راس (مستشرق معروف) / ادوارد گرانویل براون؛ مقدمه اليس ه. مينس؛ ترجمه ذبيح الله منصوري.
مشخصات نشر	تهران: انتشارات نگاه، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهري	۵۶۰ ص.؛ نقشه.
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۲۶۷-۲۴۸-۵
وضعيت فهرست نویسی	فيا
یادداشت	عنوان اصلی: amongst the Persians. Impressions as to the A year and thought of the people of Persia, received life, character, during twelve months' residence in that country in the Years 1887-8, 1893.
یادداشت	کتاب حاضر در سال های مختلف توسط مترجمان و ناشران متفاوت ترجمه و منتشر شده است.
موضوع	ایران -- سیرو سیاحت -- قرن ۱۹ Iran -- Description and travel -- *19th century
موضوع	براون، ادوارد گرانویل، ۱۸۶۲-۱۹۲۶ م.
موضوع	Browne, Edward Granville
موضوع	ایران -- تاریخ -- قاجاریان، ۱۱۹۳-۱۳۴۴ ق. Iran -- History -- Qajars, 1779 - 1925
شناسه افزوده	راس، ادوارد دنيسون، ۱۸۷۱-۱۹۴۰ م.
شناسه افزوده	Edward Denison, Sir(Edward Denison) Ross,
شناسه افزوده	مينس، اليس اچ.، ۱۸۷۴-۱۹۵۳ م.، مقدمه نویس
شناسه افزوده	Minns, Ellis H., 1874-1953
شناسه افزوده	منصوري، ذبيح الله، ۱۲۸۸-۱۳۶۵، مترجم
رده بندی کنگره	۱۳۷۹DSR
رده بندی دیویی	۰۷۴۵۰۴۲/۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	۸۸۴۷۶۷۵

یک سال در میان ایرانیان

ادوارد گرانویل براون

ذبیح الله منصوری

ویراستار: جواد رسولی

نمونه خوان: آیدا قویدل

صفحه آرا: اکرم زنوبی

چاپ اول: خرداد ۱۴۰۱

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

چاپ: حمیدا

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۶۷-۲۴۸-۵

با اشراف علی عسکری-وکیل خانواده منصوری
بر چاپ آثار ذبیح الله منصوری



مؤسسه انتشارات نگاه

حق چاپ محفوظ است.

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری

بین خیابان فخر رازی و خیابان دانشگاه، پلاک ۶۳، طبقه ۵

تلفن: ۱۲ - ۶۶۹۷۵۷۱۱، تلفکس: ۶۶۹۷۵۷۰۷

فروشگاه: خیابان کریمخان، بین ایرانشهر و ماهشهر، پلاک ۱۴۰

تماس: ۸۸۴۹۰۱۹۵-۸۸۴۹۰۱۳۸

negahpub1@gmail.com

● www.negahpub.com ● negahpub ● newsnegahpub

فهرست مطالب

۹	سخن ناشر.....
۱۱	مقدمه مترجم.....
۱۵	مقدمه سردنيسراس: خاطراتی از ادوارد گرانویل براون.....
۱۸	زندگی ادبی و ذوقی او.....
۲۲	زندگی سیاسی او.....
۲۴	زندگی اجتماعی.....
۲۹	مقاله روزنامه وطن.....
۳۳	فتح الباب.....
۳۳	این فتح الباب را فقط برای خوانندگان ایرانی می نویسم (۱).....
۳۵	فصل اول: مقدمه.....
۳۵	علم العلمان، علم الاديان و علم الابدان.....
۵۱	فصل دوم: از انگلستان تا سرحد ایران.....
۷۹	فصل سوم: از سرحد ایران تا تبریز.....
۹۷	فصل چهارم: از تبریز تا تهران.....
۱۱۵	فصل پنجم: تهران.....
۱۵۱	فصل ششم: اعتقاد به مبداء، علوم ماوراء الطبیعه، جادوگری.....
۱۷۹	فصل هفتم: از تهران تا اصفهان.....
۲۱۹	فصل هشتم: اصفهان.....

سخن ناشر

در باب ضرورت بازخوانی ذبیح‌الله منصوری

ذبیح‌الله منصوری از آن دسته مترجم مؤلفانی است که طرفداران و منتقدان بسیاری دارد. او فعالیت مطبوعاتی را در نوزده سالگی (۱۲۹۳) آغاز کرد و تا سال ۱۳۶۵ که در ۹۰ سالگی درگذشت آثاری پرشمار «خلق کرد» که اکثراً در زمره آثار پرفروش بوده و هست. همه می‌دانیم چنان می‌نوشت که کنار گذاشتن کتاب برای خواننده دشوار بود. ذوق ادبی و تخیل او از گاه کوه می‌ساخت و همین نکته حتی در زمان حیاتش منتقدان بسیاری یافت. می‌دانیم که بسیاری از این نقدها درست است و بسیاری شاید از روی کینه و سخت‌گیری؛ اما چه چیزی در کار است که خوانش دوباره آثار او را برای ما ضروری می‌کند؟

در پاسخ به این پرسش دو نکته را باید در نظر گرفت. اول نکته‌ای است که زنده‌یاد کریم امامی در کتاب از پست و بلند ترجمه بدان اشاره می‌کند: «راستی راستی آدم باید کتابفروش باشد تا قدر و قیمت ذبیح‌الله منصوری را بشناسد. من کتابفروش هر وقت دست می‌کنم و از زیرمیز یک سینه‌هفته تمیز و خوشگل درمی‌آورم و با هزار منت به مشتری می‌دهم برایش طلب آمرزش می‌کنم. در این ایام کسادی و کمبود کاغذ و کم شدن تخفیف‌های فروش، فقط منصوری است که ما را نجات می‌دهد.... آیا زمان آن فرارسیده است که این چهره عبوس و در عین حال برجسته مطبوعات معاصر را جدی بگیریم و در چند و چون احوالش تأملی بکنیم؟» مترجم شهیر و «نویسنده پولساز» هر دو القایی است واقعاً برازنده قلم کارساز این مرد سخت‌کوش و ظاهراً بی‌ادعا که هر چند خودش از میان ما رفته است، چنین مقدر به نظر

می‌رسد که چندین میلیون واژه‌ای که از ذهن پرکارش بیرون جوشیده، سال‌های سال خوانندگان فارسی‌زبان را مشغول کند».

خود من هم خاطره‌ای از منصوری و کربن در ذهنم نقش بسته است: روزی کاظم کردوانی خبر داد که کربن در ایران است و دعوت‌م کرد به محل اقامتش. به یاد دارم که زنده یاد داریوش شایگان و تنی چند از بزرگان آنجا بودند. در میان بحث به کتاب ملاصدرا اشاره شد و او از تألیف چنین کتابی بی‌اطلاع بود، اما بعدها در مقدمه منصوری بر کتاب مذکور دیدم که خود او متذکر شده که این کتاب حاصل پژوهش شش خاورشناس است. اما حالا که از آن فضای سفید و سیاه فاصله گرفته‌ایم دیگر رعایت انصاف آسان‌تر شده؛ قول کریم امامی را منصفانه می‌دانم که اگر همه این کتاب‌ها از دل نوشته‌هایی مختصر پدید آمده باشد «بنده عقیده دارم باید بر مزارش بنای یادبود برپا کنیم».

اما به نکته دومی هم اشاره کردم که در این زمانه برای من و شاید بسیاری دیگر از همکاران و خوانندگان به امری جدی بدل شده و آن «فارسی‌نویسی سلیس» است. همه ما درگیر انتشار کتاب‌هایی هستیم که واقعاً گاه‌گاه خودمان از انتشار آنها دلزده می‌شویم. نه چیزی به ما می‌افزاید نه چیزی از ما می‌کاهد، مگر عمر گران و پول بی‌زبان. اما چرا نباید به سراغ کتاب‌هایی رفت که هم ارزشمندند و هم پرمخاطب؟ در سال ۱۳۹۹ بود که وقتی به خواندن یکی از آثار منصوری مشغول شدم، از زبان سلیس و استوار آن لذت بردم و به خود گفتم کاش نویسندگان و مترجمان این نسل نیز فارسی را این‌طور می‌نوشتند و کاش دوباره آثار او را منقح کنیم و در اختیار این نسل بگذاریم. به نظرم اگر کمترین منفعت و ضرورت خواندن آثار منصوری تمرین فارسی‌نویسی باشد، ما را بس. ادبیت و استقبال همیشگی خوانندگان آثار او و حتی جانانه بودن نقد منتقدانش نشان داده که کمیت منصوری حتی اگر در ترجمه نعل به نعل بلند، به این سادگی از میدان نویسندگی و خلاقیت به در نمی‌رود.

در پایان این سخن از همه همکارانم در انتشارات نگاه سپاسگزارم، به ویژه آقای جواد رسولی و گروه ویرایشی ایشان که با دقت کتاب‌ها را بازخوانی و حتی بازخوانی مجدد کردند. مضافاً همه فرایندهای آماده‌سازی آثار ذبیح‌الله منصوری زیر نظر سیامک و سهیلا (طاهره) منصوری و وکیل محترم خانواده ایشان به انجام رسیده است، امیدوارم این کوشش‌ها به طبع خواننده نیز خوش بیاید.

علیرضا رئیس دانایی

تابستان ۱۴۰۱